

تاریخ علم و فرهنگ دکن*

شادروان نذیر احمد

ترجمه خان محمد صادق جونپوری*

تاریخ علمی و فرهنگی دکن را می‌توان به پنج دوره تقسیم کرد. دوره اول از زمان تسلط دهلی بر دکن شروع می‌شود. دوره دوم حکومت بهمنی، دوره سوم پس از انحلال سلسله بهمنی تا قرن هفدهم، دوره چهارم تیموریان و دوره پنجم دوره آصف جاهی است. ما درباره تاریخ علمی دوره اول اطلاعات دقیقی نداریم. در نتیجه کشورگشایی‌های علاءالدین خلجی (م: ۱۳۱۶ م) از نظر سیاسی دکن تحت تأثیر حکومت دهلی قرار گرفت، روابط سیاسی و علمی شمال و جنوب هند افزایش یافت و رفت و آمد علما و فضلا شروع شد؛ ولی این موضوع هنوز تشنه تحقیق است. درباره روابط ادبی اطلاع کمی داریم. هند شمالی در این زمان مأوای فرهنگ ایرانی و تورانی بود؛ ولی اثرات آن در دکن بسیار کم‌رنگ بود.

اخیراً کتابی از حاجب خیرآبادی به نام دستورالافاضل منتشر شده است. این کتاب فرهنگی است که در سال ۷۴۳ ق در استادآباد دکن مرتب شده است. نسخه خطی ناقص‌الآخری از این اثر در کتابخانه ایسیاتیک سوسایتی بنگال غربی موجود است. بنده براساس این نسخه متنی انتقادی از این اثر را در سال ۱۹۷۴ م در تهران چاپ کردم. دیباچه این فرهنگ بسیار مهم است. از دیباچه این فرهنگ چنین برمی‌آید که به دلیل تغییر اوضاع حاجب خیرات از دلی به دکن آمد و در قصبه بیر با صدر شمس‌الدین

♦ فصلنامه فکر و نظر، دانشگاه اسلامی علیگره، ص ۱۸-۵؛ اینجا خلاصه آن مقاله ارائه شده است.

* دانشجوی فوق لیسانس فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

محمد ملاقات کرد. وی حاجب را به محل سکونت خود استادآباد دعوت کرد. حاجب به استادآباد رسید. شمس‌الدین وی را مأمور نوشتن یک فرهنگ فارسی کرد. حاجب اشاره کرد که فرهنگ قواس موجود است؛ ولی وی اصرار داشت که فرهنگ جدیدی تألیف شود. حاجب نام شمس‌الدین را احمد بن علی ججنیری نقل کرده است.

در حال حاضر روستایی به نام استادآباد در دکن وجود ندارد؛ ولی در قرن هشتم هجری/پانزدهم میلادی وجود این روستا از کتیبه یک قلعه ثابت می‌شود که در سال ۷۳۸ ق در استادآباد ساخته شده بود. دکتر یزدانی این کتیبه مهم را در Epigraphic Moslemica (۳۲-۱۹۳۱ م) چاپ کرده است. نوشته این کتیبه چنین است:

«در عهد پادشاه آفتاب آثار و ماه انوار محمد بن تغلق شاه بناء حصار خطه استادآباد که کوبه کنگره بلند او با برج فلک هم پهلوست به تاریخ الغره من ذی الحجه سنه ثمان و ثلاثین و سبع مائه به کارفرمایی ضیاء... در خطه مذکوره مدّت اعمارها عمارت شد».

ظاهراً قصبه قدیمی استادآباد متصل به قصبه شاهپور امروزی بود و هر دو این قصبات در ۷۵ کیلومتری جنوب غرب گلبرگه واقع هستند. خلاصه اینکه ما دو گواهی در مورد وجود قصبه استادآباد داریم؛ کتیبه ذکر شده در بالا و مقدمه دستورالافاضل. درباره شمس‌الدین محمد صدر مرئی حاجب خیرات چیزی در تاریخ نداریم؛ ولی شخصی به نام احمد بن علی ججنیری کشف شده که مسجدی بنا نموده که کتیبه آن از محلی به نام کلیانی در شهر بیدر به دست آمده است. در این کتیبه چنین نوشته شده است:

«امر هذه العمارة المسجد المباركة الميمونة الشريفة في عهد سلطان السلاطين ظل الله في العالمين ابوالمجاهد في سبيل الله محمد بن تغلق شاه السلطان خلد الله ملكه و سلطانه و اعلى امره و شانہ در نوبت اقطاع ملك الشرق قوام الدوله والدین وزير اقليم ديوگير مكنه الله بنده الضعيف والنحيف الراجي الى رحمة الله و الغفران احمد بن علي ججنيري به تاريخ الغره من صفر ختم الله بالخير و الظفر سنه ست و عشرين و سبع مائة».

از قرائن زیر معلوم می‌شود که احمد بن علی ججنیری بانی مسجد مذکور به ظاهر پدر

صدر شمس‌الدین محمد بود:

۱. نام پدر صدر دو بار در مقدمه آمده است؛ اوّل شمس‌الدّوله والدّین محمّد احمد ججنیری و دوم در این بیت:
گوهر پاک احمد بن علی صدر آفاق شمس دولت و دین
 ۲. در هر دو مأخذ وطن یکی است ججنیری.
 ۳. هر دو معاصر هستند. دستورالافاضل در زمان محمّد بن تغلق شاه در سال ۷۴۳ ق تدوین شده و مسجد در زمان همین پادشاه شانزده سال پیشتر در سال ۷۲۷ ق بنا شده است.
- کتاب دستورالافاضل مأخذ خوبی برای تاریخ سیاسی و ادبی دکن به‌شمار می‌رود. این فرهنگ دوّمین فرهنگ مهمّ فارسی در هند است. فرهنگ قواس قدیمی‌ترین فرهنگ است که تذکره آن در مقدمه دستورالافاضل آمده است.
- دوّمین دوره تاریخ علمی و فرهنگی دکن از زمان سلطنت بهمنی‌ها شروع می‌شود. در این زمان این پیشرفت تسریع می‌شود. روابط فرهنگی بین ایران و عرب برقرار می‌شود. علما و فضلاء کشورهای دیگر به‌رونق دربار گلبرگه می‌افزایند. یکی از وقایع مهمّ تاریخ ادب فارسی، دعوت یکی سلاطین بهمنی محمّد شاه (یا محمود شاه) (۹۷-۱۳۷۸ م) از حافظ شیرازی برای آمدن به دکن است. حافظ نتوانست به دکن بیاید؛ ولی این دعوت در یکی از غزلیات دیوان حافظ یادگار مانده است:
- دمی با غم به‌سر بردن جهان یک سر نمی‌ارزد
به‌می بفروش دلق من کزین بهتر نمی‌ارزد
- شکوه تاج سلطانی که بیم جان درو درجست
کلاه دلکش است اما به‌درد سر نمی‌ارزد
- فتوح‌السلاطین عبدالملک عصامی یکی از یادگارهای ادبی زمان بهمنی‌هاست. عصامی به‌ایمای علاء‌الدین حسن بهمن شاه فتوح‌السلاطین را در سال ۱۳۴۹ م کامل کرد. این تاریخ منظوم به تصحیح آغا مهدی حسن و با نام تاریخ عصامی چاپ شده است.
- در این دوره دو شخصیت مهمّ به‌چشم می‌خورند که در تاریخ دکن اثر مهمّی گذاشته‌اند. شاه گیسودراز حسینی (م: ۱۴۲۲ م) که باعث رواج عرفان و تصوّف در دکن شد. وی برای ترویج تعالیم خود از زبان محلی استفاده کرد. حضرت گیسودراز در

سلسله مشایخ چشتیه ممتاز است؛ چرا که کسی به اندازه وی کتاب ننوشته است. وی در زمینه تصوف، تاریخ، ادب و شعر آثار گرانمایی از خود به یادگار گذاشته است. تصانیف وی به دو زبان فارسی و عربی است. برای مثال می‌توان از شرح عوارف‌المعارف، ملحقات طبقات ناصری، جوامع‌الکلم، دیوان اشعار و غیره نام برد. رساله‌ای دکنی به نام معراج‌العاشقین نیز به او منسوب و چندین بار چاپ شده است؛ ولی بعضی از محققان در این باره اختلاف دارند.

شخصیت بزرگ دیگر این زمان شاه نعمت‌الله ولی کرمانی (م: ۱۴۳۱ م) است. وی خود به دکن نیامد؛ ولی دو فرزند وی به نام‌های شاه خلیل‌الله و شاه محب‌الله به اینجا آمدند و سلاطین بهمنی را تحت نفوذ خود قرار دادند.

از نظر علمی و سیاسی شخصیت محمود گاوان (م: ۱۴۸۱ م) بسیار مهم است. وی منصب وزارت داشت و دو اثر مهم از خود به یادگار گذاشته است؛ یکی ریاض‌الانشاء که مجموعه‌ای از نامه‌ها است که به هم‌عصران نوشته شده و دیگری مناظرالانشاء که در اصول و ضوابط انشاپردازی است.^۱

علاوه بر این دیوان نظیری طوسی^۲ و تذکره گیسودراز^۳ و حالات شاه نعمت‌الله ولی^۴ تألیف عبدالملک بن شیر ملک واعظی نیز مهم هستند. نظیری مداح شاه خلیل‌الله و برادر وی شاه محب‌الله بود. قصاید متعددی در دیوان نظیری در مدح این دو برادر

۱. ریاض‌الانشاء از حیدرآباد در سال ۱۹۴۸ م چاپ شده است. شنیده‌ام مناظرالانشاء در ترکیه به طبع رسیده است.

۲. ن.ک. تاریخ فرشته: ج ۱ ص ۳۴۳. دیوان وی در موزه بریتانیا قرار دارد.

۳. کتاب وی تاریخ حبیبی و تذکره مرشدی نام دارد و ترجمه اردوی آن در سال ۱۳۶۸ ق از گلبرگه منتشر شده است. نسخه خطی این اثر در گنجینه بنگال ایشیاتیک سوسایتی (فهرست، ص ۹۰ و کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه علیگره ذخیره حبیب گنج، شماره ۲۲-۳۸ موجود است).

۴. من این رساله را در اسلامیک کلچر شماره جولائی ۱۹۷۲ م و مجله ایندو ایرانیکا شماره ژانویه ۱۹۷۳ م معرفی کرده‌ام. این رساله در مجموعه‌ای قرار دارد که یک محقق فرانسوی به نام جین اوبین در سال ۱۹۵۶ م از تهران و پاریس آن را منتشر نمود. اسم آن مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت‌الله ولی کرمانی است. نسخه دیگر این رساله در موزه بریتانیا به نام مناقب حضرت نعمت‌الله ولی وجود دارد. (فهرست موزه بریتانیا: شماره ADD.16837، ص ۸۳۳)

موجود است. واعظی نقش مهمی در گسترش تعالیم حضرت گیسودراز و شاه نعمت‌الله ولی داشته است.

در زمان بهمنی‌ها زبان دکنی به صورت زبان ادبی درآمد و باعث آغاز و رشد اردوی دکنی شد. مردم در قرن پانزدهم در دکن به زبان اردوی دکنی صحبت می‌کردند و می‌نوشتند و به این صورت دکن تقریباً دویست سال بر شمال هند تفوق زمانی دارد. در دوره بهمنیان آثار متعددی به وجود آمد. صرف نظر از رساله *معراج‌العاشقین* حضرت گیسودراز، قدیمی‌ترین تصنیف دکنی دریافت شده مثنوی *کلامِ راؤ و پدمِ راؤ* به شاعری به نام نظامی متعلق است. این مثنوی چاپ شده است. بعد از اختتام بهمنیان مثنوی *نوسرهار اشرف به نظم درآمد*. بنده متن این مثنوی را در رساله *اردو ادب متعلق به انجمن ترقی اردو به چاپ رساندم*. دکتر زینت ساجده مقاله دکترای خود را درباره اشرف نوشته است. پرت‌نامه فیروز بیدری نیز خیلی مهم است که بنده آن را در رساله *اردو ادب به چاپ رساندم* و بعداً پروفیسور مسعود حسین متن انتقادی آن را منتشر کرد. پس از انحلال سلسله بهمنی در دکن پنج حکومت مستقل به وجود آمد. از آن میان قطب‌شاهیان، نظام‌شاهیان و عادل‌شاهیان از نظر سیاسی و ادبی و فرهنگی بسیار مهم هستند. در نتیجه سعی و کوشش آنها دکن از نظر فرهنگی هم‌پله شمال هند شد. سلاطین دکنی هم‌عصر پادشاهان تیموری هند بودند.

در زمان حکومت تیموریان شعر و ادب فارسی و فرهنگ به بام عروج خود رسیده بود؛ ولی خدمات سلاطین دکنی در ترویج و ترقی زبان دکنی یا اردوی قدیم بی‌نظیر است. در آن زمان دو مرکز مهم زبان و ادب دکنی وجود داشت؛ یکی گولکنده و دیگری بیجاپور. پادشاهان قطب‌شاهی و عادل‌شاهی نه تنها در قدردانی از شعرا و ادیبان مثال‌های خوبی از خود به یادگار گذاشتند، بلکه بعضی از آنها خود از شاعران و ادیبان بزرگ بودند. به طور مثال می‌توان محمد قلی قطب‌شاه (م: ۱۶۱۱ م) والی گولکنده و ابراهیم عادل‌شاه (م: ۱۶۲۷ م) والی بیجاپور را نام برد. دیوان محمد قلی قطب‌شاه چاپ شده است. وی نخستین شاعر اردو زبان صاحب دیوان است. در زمان همین سلطان شهر حیدرآباد بنا شد. این شهر اول بهاگ‌نگر نام داشت و بعداً حیدرآباد خوانده شد. اگرچه پروفیسور هارون خان شروانی و بعضی از پژوهشگران دیگر در این باره اختلاف

نظر دارند و منکر وجود بهاگ‌نگر هستند اما بنده در مقاله‌ای با استناد به اقوال مؤرخان و مصنفان هم‌عصر ثابت کرده‌ام که بهاگ‌نگر به نام بهاگ‌متی آباد شد و کتیبه‌هایی نیز یافت شده است. در یادداشت فیضی واژه بهاگ‌نگر آمده است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که محمد قلی قطب‌شاه از نظر یادگارهای علمی، ادبی و فرهنگی در بین پادشاهان قطب‌شاهی و حتی سلاطین دکنی ممتاز می‌باشد و فقط ابراهیم عادل‌شاه از این نظر گوی سبقت را از وی ربوده است.

به‌دلیل توجه سلاطین قطب‌شاهی گولکنده به یکی از مراکز زبان و ادب فارسی تبدیل شد. صدها شاعر و ادیب فارسی با این مرکز در ارتباط بودند. مهم‌ترین تصنیف این دوره برهان قاطع است. مصنف این اثر محمد حسین بن خلف تبریزی است که در سال ۱۰۶۲ ق/ ۱۶۵۲ م در زمان عبدالله قطب‌شاه این کتاب را کامل کرد. این اثر یکی از فرهنگ‌های مهم زبان فارسی است و چندین بار به‌زیور طبع آراسته شده است. پروفیسور محمد معین متن انتقادی آن را آماده کرده است و در حاشیه درباره مسائل فرهنگ‌نویسی مثلاً مأخذ و اشتقاق واژه‌ها، تصحیفات، هزوارش و غیره بحث کرده است. میرزا غالب در ردّ همین کتاب قاطع برهان را نوشت که باعث جنجال‌هایی شد و بنده در نقد قاطع برهان تلاش کرده‌ام، این مطالب را بررسی کنم.

ابراهیم عادل‌شاه ثانی والی بیجاپور (م: ۱۶۲۷ م) شاعر، ادیب، نقاد و ماهر علوم لطیفه بود. وی در موسیقی، نقاشی، خطاطی و فنّ معماری مهارت داشت. وی با تاریخ هند و اسلام آشنایی داشت و به‌زبان‌های فارسی، عربی، سانسکریت، مراتھی و دکنی تسلط کامل داشت. در فنّ معماری وی آثاری از خود به‌یادگار گذاشته که بیجاپور را هم‌پله دلی و آگره کرده است. به‌دلیل علم‌دوستی و علم‌پروری وی، صدها شاعر و ادیب از بیرون هند به‌دربار وی آمدند. در دربار وی شعرا و ادیبان ممتاز فارسی و مؤرخان موجود بودند. ظهوری، ملک قمی، باقر کاشی، سنجر کاشی، حیدر ذهنی و غیره از شعرای مهم دربار وی به‌شمار می‌روند. غالب به‌تتبع ظهوری غزل می‌گوید و در مدح وی چنین می‌سراید:

به‌نظم و نثر مولانا ظهوری زنده‌ام غالب

رگ جان کرده‌ام شیرازه اوراق کتابش را

سه نثر ظهوری از شاهکارهای ادبی زبان فارسی است. طرز تحریر وی تا قرن‌ها سرمشق نثرنویسان بود. امام‌بخش صهبایی از معاصران غالب یکی از مداحان ظهوری است و رساله خود را به‌تتبع از وی نوشته است. تاریخ گلشن ابراهیمی اثر محمد قاسم فرشته که به‌نام تاریخ فرشته شهرت جهانی یافته است، به‌یاد ابراهیم عادل‌شاه نوشته شده است.

رفیع‌الدین شیرازی یکی از مؤرخان مهم دربار عادل‌شاهی است و کتاب وی به‌نام تذکره‌الملوک یکی از آثار مهم به‌شمار می‌رود. عمر خالدی فرزند ادیب مشهور ابونصر خالدی قصد دارد متن انتقادی این اثر را از مؤسسه تکنولوژی شهر ماساچوست منتشر کند. محمد ظهور فرزند ظهوری محمدنامه را به‌نام عادل‌شاه نوشت. فزونی استرآبادی یکی از مؤرخان مشهور شمال هند است. کتاب بحیره وی که در سال ۱۹۲۵ م در کشمیر چاپ شده، واقعاً اسمی بامسما است. وی به‌بیجاپور آمد و در دربار عادل‌شاهی فتوحات عادل‌شاهی را به‌رشته تحریر درآورد. نسخه‌ای از این اثر در موزه بریتانیا موجود است. بحیره در زمان قاجاریه در تهران چاپ شده است؛ ولی این نسخه چاپی نیز کمیاب است. مقاله بنده درباره فزونی در مجله اورینتل کالج چاپ شده است. درباره قدردانی شعر و سخن واقعه‌ای از ابراهیم عادل‌شاه نقل می‌کنند که ملک قمی پدر زن ظهوری در جواب مخزن‌الاسرار نظامی مثنوی منبع‌الانهار را سرود و ابراهیم عادل‌شاه به‌وی یک شتر طلا جایزه داد. سلطان از حیدر ذهنی یکی دیگر از شاعران دربار درخواست کرد که در جواب مخزن‌الاسرار، مثنوی دیگری بسراید. وی به‌ظن این رباعی را سرود:

در مدح و ثنایت ای شاه دکن معذورم دار ار نگفتم مخزن
حیف است برای یک شتر زرگیرم خون دو هزار بیت بد بر گردن

سلطان از شنیدن این رباعی بسیار خوشحال شد و همین مقدار طلا به‌وی نیز جایزه داد. در زمان ابراهیم عادل‌شاه زبان دکنی گسترش پیدا کرد. پادشاه خود به‌این زبان علاقه داشت. وی نوری را به‌همین زبان نوشت. عبدل دهلوی از شاعران مشهور زبان دکنی در آن عهد است. اگرچه وی به‌شمال هند تعلق دارد اما در زبان دکنی مثل اهل زبان مهارت پیدا کرده بود. وی کتاب منظوم ابراهیم‌نامه را برای ابراهیم عادل‌شاه نوشت

و در آن حوادث آن دوران را شرح داد. از نظر زبان و تاریخ این اثر خیلی مهم است و آینه تهذیب و تمدن قرن شانزدهم دکن به‌شمار می‌رود. در این کتاب درباره لباس وی، علاقه وی به موسیقی و به سنت و دیگر مراسم ملی، لقب جگت گرو، بنای شهر نورسپور، بدیاپور بودن بیجاپور، قلعه نورس، بنای قصر گگن، فیل پادشاه و موارد دیگر بحث شده است.

نسخه مهمی از این کتاب در کتابخانه اوده موجود بود. براساس همین نسخه مدتها قبل پروفیسور بهگوت دیال از دانشگاه پونا در مجله هندوستانی الله‌آباد *ابراهیم‌نامه* را معرفی کرده بود.

یکی از شاعران دربار وی به‌نام حسن منجهو خلجی منظومه رتن کلیان را مرتب کرد. در این اثر داستان رتن سین راجای چتور و شاهزاده سریلانکا بیان شده است. این نظم شامل ۱۹۹ چوپایه و ۹۹۹ دوهه است. تنها نسخه این اثر در موزه بریتانیا وجود دارد. اندازه آن $۹/۴۹ \times ۶/۴$ است و ۲۳۹ ورق دارد. مؤلف در این اثر پس از حمد خدا، نعت رسول (ص)، مدح حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (ع) و دیگر ائمه معصومین (ع) به‌مدح پیر خود برهان جانم می‌پردازد. پس از آن اشعاری درباره ابراهیم عادل‌شاه، علم و فضل وی، مهارت وی در علم موسیقی و خطاطی و کتاب نورس سروده است. سپس درباره یکی از تصنیفات وی، تنبوره وی که موتی خان نام داشت، آتش خان فیل و چنچل فیل سخن گفته است. بعد از آن در تعریف بدیاپور (بیجاپور) و اطراف آن مطالبی بیان شده است، مثلاً درباره آنند محل، باغ‌های بیجاپور، جامع مسجد که علی عادل‌شاه آن را بنا کرده است، به تفصیل گفتگو شده است. در این کتاب همچنین از سه روستای اطراف بیجاپور نیز سخن به‌میان آمده است: ابراهیم‌پور در یک مایلی جنوب شرقی، دروازه فتح‌الله‌پور در سمت مشرق و نورسپور در مغرب. شاعر به توصیه دوستان خود این حکایت را در سال ۹۹۹ ق نظم کرده است. این نسخه رتن کلیان ۳۴ عکس نیز دارد، دو سه عکس ابراهیم عادل‌شاه نیز در آن به‌چشم می‌خورد. عکس اول شبیه نعمت‌نامه و عکس موزه لنینگراد است. این منظومه را دگلس بیرت در مقاله انگلیسی

خود به‌عنوان «نقاشی در بیجاپور»^۱ در مجموعه نقاشی‌های کشورهای اسلامی^۲ در سال ۱۹۶۹ م معرفی کرده است.

پروفسور زور مرحوم و دیگر نقادان، آتشی و مقیم را شاعران دکنی می‌دانند و آنها را به‌دربار ابراهیم عادل‌شاه وابسته می‌شمارند؛ ولی این اشتباه است و این دو شاعر فارسی‌زبان هستند و نسخه دیوان مقیم و نسخه مثنوی‌های حکیم آتشی کشف شده است و این امر ثابت می‌کند که این دو به‌دربار ابراهیم وابسته نبودند، بلکه به‌دربار پسر وی محمد متعلق بودند. بنده درباره این موضوع در مقاله خود به تفصیل بحث کرده‌ام. دکتر اکبرالدین صدیقی شاعری به‌نام مقیم سلمی را معرفی کرده ولی به‌نظر بنده وی در اصل شاعر فارسی زبان بود که در ادوار بعدی می‌زیست.

در زمان ابراهیم عادل‌شاه فنون لطیفه نیز خیلی پیشرفت کرد. نجوم‌العلوم قدیمی‌ترین نمونه مکتب نقاشی دکنی است که یادگار زمان علی عادل‌شاه اول می‌باشد. نقاشی‌های نجوم‌العلوم آمیزه‌ای از طرز نقاشی هندی، ایرانی و ترکی است.

۱. نقاشی در بیجاپور (Painting at Bijapur).

۲. مجموعه نقاشی از سرزمین اسلامی (A Collection of Painting from Islamic Land).